خبرها

نویسا: ویژه زن کُرد

شرق: «نویسا نشریه‌ای است با زمینه تحلیلی جهت طرح مسائل اجتماعی ـ فرهنگی در کردستان.» گاهنامه نویسا با این جمله خود را معرفی می کند. نویسا در این شماره که عنوان آن فمینیسم / زن کرد است، سعی دارد به بیان ابعاد معرفت شناختی و روش شناختی مسئله زن در کردستان بپردازد. در مقدمه خود ابتدا به شرایط مختلف ساختاری و تاریخی جامعه کرد می پردازد و بیان می کند که «فمینیسم به‌عنوان یکی از دستاوردهای جهان مدرن که هم اکنون در جهان پسا مدرنیستی در حال رشد و اشاعه است، با ورود به جهان های اجتماعی دیگر با موضوعات، پرسش ها و چالش های جدیدی مواجه می شود که متفاوت از موارد مربوط به جوامع خاستگاه این نحله فکری است. بدین ترتیب تجربه کرد بودن، هویت کردی، زبان کردی، شرایط جغرافیایی، مذهب، اقتصاد، آداب و رسوم کردها، نظام فئودالی اجتماعی ـ اقتصادی، گروه های حاکم و . . . همه از مولفه هایی هستند که می تواند مورد توجه روشنفکران و از جمله طرفداران حقوق زن، چه به‌عنوان امر مثبت و چه به‌عنوان امر مانع، قرار بگیرد.» نویسا در این شماره خود بحث فمینیسم را در دو بخش دنبال می کند. بخش اول که شامل سه مقاله نخست است به معرفی تاریخچه، دیدگاه و نظریات مختلف فمینیسم می پردازد که این مقالات عبارتند از مروری تاریخی بر ادبیات فمینیستی، نظریه های فمینیستی و زن میان دو گفتمان مدرن و قبیله گرایی. شش مقاله بعدی یعنی مقالات پدرسالاری، فرار دختران، راهکارها، فولکلور و فانتزی: حضور زن در سنت شفاهی کردی، رمان کردی و زنان رمان نویس، زبان شاعر و گفتمان فمینیستی، پزشک، راز یا جادو؟ و به سیمای زن کرد در صوفی گری معاصر بیشتر سعی کرده‌اند به مسائل و موضوعات خاص جامعه کرد در رابطه با مسئله فمینیسم بپردازند. در میان این مقالات می توان به مقاله زن میان دو گفتمان مدرن و قبیله گرایی نوشته حامد ابوزید (ترجمه جلیل کریمی) اشاره کرد. ابوزید در این مقاله توجه خود را بیشتر به مسئله زن در جوامع عربی ـ اسلامی معطوف می کند و در سه بخش قبیله گرایی: تقلیل و نابودی فردیت، گفتمان نوزایی: مبارزه با تبعیض جنسی، طاهرالحداد: گذر از دوالیسم به شرح و بسط موضوع می پردازد. وی اهمیت این موضوع را این گونه مطرح می کند «آنچه برای من اهمیت دارد، تمایل به ایدئولوژی قبیله گرایی از همان آغاز ظهور اولیه خود به هنگام بحران های ناشی از شکست ۱۹۶۷ برای تجزیه نظام و ساخت هایی است که در اساس مدرن می باشند و در نهایت به تقلیل و نابودی فردیت می گراید.» و در ادامه مطرح می کند که در قبیله گرایی هستی فرد به جنسیت مونث ـ مذکر تقلیل داده می شود و رابطه‌ای که ایجاد می کند سلطه تام مذکر بر مونث است. بدین ترتیب فرد فردیت خویش را از دست می دهد. این فردهای عاری از فردیت در آغاز در جست وجوی هویت خویش به تاریخ و تبار گذشته خود روی می آورند. ابوزید دربخش دوم به جریان تاریخی اشاره می کند که در آن با شعار «دین برای خدا و وطن برای همه» به حفظ جامعه در مقابل قبیله گرایی که از بیرون آن را تهدید می کرد می پردازد. او معتقد است که «وحدت ملی» و «آزادی زن» پیوندی است که دست کم بر جریان قبیله گرایانه مسئله زن در گفتمان معاصر اسلام تاکید دارد. در بخش آخر به جریان ها و افرادی که در نوسازی اسلامی موثر بوده‌اند اشاره می کند. ابوزید جریان قبیله گرایی را ضدگفتمان نوزایی می داند. در جریان قبیله گرایی فردیت به دلیل جبران کمبودهای خود در من خود می دمد تا خود را بزرگ و نیرومند جلوه دهد، در این شرایط تعیین هویت براساس دین است. در گفتمان قبیله گرایی زن عنصر فرودست محسوب می شود، اما در گفتمان نوزایی چون هیچ عنصری به تنهایی ارزش ندارد، پس توهین و تحقیر زن در واقع تحقیر خود است. «در فرودستی زن و فرادستی مرد نیز هیچ نوع عقلانیتی وجود ندارد و این همان حقیقت روشنی است که هنوز هم در ذهن ما نمی گنجد.»

فراز و فرودهای اندیشه سیاسی در ایران

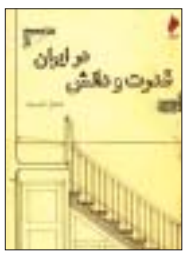

شرق: ماهیت دانش سیاسی در ایران دوره اسلامی چیست؟ گفتمان های دانش سیاسی چگونه ظاهر شدند؟ کتاب «قدرت و دانش در ایران» سعی دارد پاسخ این دو پرسش را در چارچوب تحقیقی علمی بیان کند. شجاع احمدوند در مقدمه کتاب خود می نویسد: «بدون تردید اندیشه و سیاست اکنون محصول سه میراث بزرگ فکری است: یکی کاخ بلند اندیشه ایرانشهری خصوصاً نظریه شاهی ایران، دوم؛ عقلانیت سیاسی سنتی ایران، سوم؛ وجوه عمده‌ای از تمدن و تجدد غربی که در دوره منجر به انقلاب مشروطه و متعاقب آن در ایران رسوخ کرد. کتاب قدرت و دانش در ایران می کوشد به سئوال هایی در مورد چگونگی تقسیم قدرت در ایران پس از اسلام پاسخ گوید. کتابی مشتمل بر ۹ فصل به بررسی ساختار قدرت در ایران پس از اسلام می پردازد. فصل اول کتاب با تکیه بر مورد ابن خلدون شرایط امکان دانش سیاسی را بررسی می کند. در فصل دوم ضمن نقد نظریه غزالی در مورد قدرت که دانش را نه متاثر از شرایط عینی و بیرونی بلکه آن را در نفسانیات عالم دانسته، این روش را در تضاد با نظریه های نویسنده قرار می دهد. در سه فصل پایانی کتاب به چگونگی تداوم سلطنت مطلقه، تصادم با قدرت های مغرب زمین و نحوه گسترش دانش سیاسی متاخر در ایران توجه خاصی شده است. دکتر شجاع احمدوند دانش آموخته و مدرس علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبایی است که آخرین اثر او توسط انتشارات فرهنگ و اندیشه به چاپ رسیده است. «قدرت و دانش در ایران» با حجمی در حدود ۳۷۶ صفحه به قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومان به فروش می رسد.

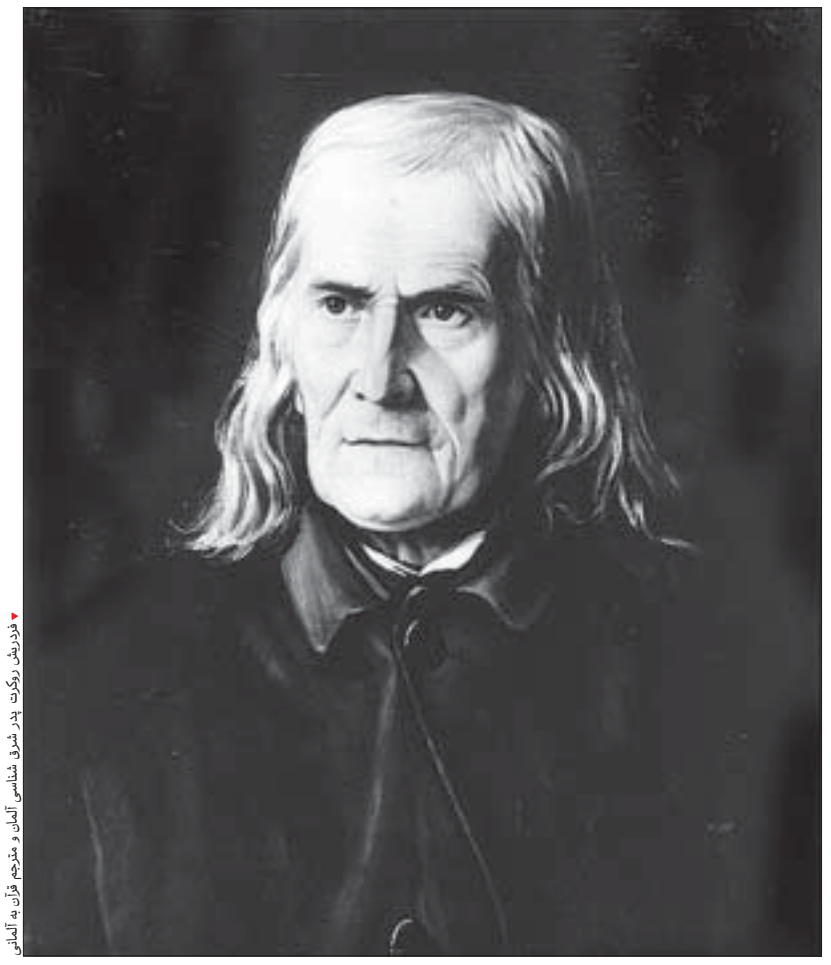

فردریش روکرت، پدر شرق شناسی آلمان و مترجم قرآن به آلمانی

ترجمه‌ای شاعرانه از قرآن به زبان آلمانی

کلام خدا چه زیباست

خسرو ناقد

برای اروپاییان و به طور کلی آن دسته از مردمان مغرب زمین که از سویی تاریخ معاصر سرزمین های اسلامی را با دقت و نیز با دغدغه خاطر پیگیری می کنند و از سوی دیگر نمی خواهند بر اساس رویدادهای دو سه دهه گذشته، به ویژه آنچه در سال های اخیر در کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته است، درباره اسلام و مسلمانان داوری کنند، مشکل و مانع بزرگی وجود دارد. اینان بر خلاف توده های وسیعی که با پیشداوری های قدیمی و نگاه های کلیشه‌ای به شرق مسلمان می نگرند، مبنای شناخت خود را بر اخبار و گزارش های جنجال برانگیز خبرنگاران و روزنامه نگاران و نوشته های سطحی و کتاب های کم مایه‌ای که درباره اسلام منتشر می شود، قرار نمی دهند. این گروه کوچک حتی مطالعه آثار و تحقیقات پرمایه اسلام شناسان و شرق شناسان را به تنهایی برای شناخت بنیادین از اسلام کافی نمی دانند، بلکه می خواهند با مراجعه مستقیم و بی واسطه به سرچشمه اصلی اسلام، یعنی قرآن، این دین را بشناسند و از تأثیر شگفت آن بر مسلمانان و حیات اجتماعی و زندگی شخصی آنان آگاهی یابند. اما مشکل بزرگ عدم دسترسی به ترجمه‌ای گویا و رسا و جذاب و حتی الامکان نزدیک به متن اصلی است که در آن نه تنها درونمایه قرآن به بهترین وجه بازگو شده باشد، بلکه قادر باشد برونمایه قرآن و به خصوص جنبه های زیباشناسانه آن را نیز به خوبی بنمایاند؛ ترجمه‌ای که خواننده را هم با معنا و مضمون و محتوای قرآن و هم با اعجاز زبانی قرآن و با سبک و زبان شعرگونه آن آشنا و دمساز کند.

البته مشکل ترجمه قرآن، مشکلی نیست که فقط مردمان مغرب زمین برای مطالعه قرآن و شناخت بلاواسطه از اسلام با آن درگیرند؛ مسلمانانی نیز که زبان مادری شان غیر از زبان عربی است، همواره در تلاش بوده‌اند تا ترجمه‌ای هر چه نزدیک تر به کلام الله به دست آورند. از این رو شگفت آور نیست وقتی می بینیم که به رغم آنکه ترجمه هایی گوناگون از قرآن به زبان های بسیاری یافت می شود، هنوز مترجمان می کوشند تا با به دست دادن ترجمه‌ای تازه از کتاب مقدس مسلمانان، به متن و محتوا و زبان قرآن نزدیک تر شوند. با این همه هنوز هم ترجمه‌ای که تمام رمز و رازهای زبانی قرآن و اشارات عرفانی آن را بتواند بازگو کند، به هیچ زبانی در دست نیست و شاید هرگز نیز ـ همانگونه که قرآن پژوهان و هم عامه مردم مسلمان معتقدند ـ ترجمه‌ای درست و واقعی از قرآن امکان پذیر نباشد. آیا این امر را نیز باید در شمار «معجزات این کتاب آسمانی» گذاشت؟

ناگفته پیداست که در اینجا سخن صرفاً پیرامون چگونگی ترجمه قرآن است. وگرنه پیداست که مسایل و مشکلات مربوط به تفسیر و تأویل معنوی قرآن و به دست دادن قرائت هایی تازه از آن در همه حال به مشکل ترجمه افزوده می شود. امر ترجمه کمتر به درک و دریافت معنای حقیقی وحی الهی و مسایل و مشکلات مربوط به تفسیر و تأویل معنوی قرآن می پردازد و بیشتر معنای لفظی و ظاهری و درک زیباشناسانه قرآن را در نظر دارد. البته ترجمه‌ای جامع الاطراف خود بی گمان از جمله تمهیداتی است که به فهم معنای حقیقی و باطنی قرآن می تواند یاری رساند؛ قرآنی که به گفته لویی ماسینیون، شرق شناس شهیر فرانسوی، «کلید جهان بینی مسلمانان است» و یا به بیان زیبای محمد آرکون، اسلام پژوه معاصر، که قرآن را «هماهنگ سازی موسیقایی و معناشناسی» می خواند. به هر حال، مسئله تفسیرهای گوناگونی که به زبان های مختلف درباره قرآن در دست است و جدل و مناظره مفسران پیرامون آن و به ویژه قرائت های گوناگونی که دینداران نواندیش مسلمان در سال های اخیر از قرآن به دست داده‌اند، خود مبحثی کمابیش جداگانه است که در این گفتار کوتاه جایی برای پرداختن به آن در اختیار نداریم.

در میان اروپاییان شاید آلمانی زبانان بیشترین توجه را به ترجمه قرآن و تحقیق درباره آن مبذول داشته‌اند. اصولاً سنت مطالعات شرق شناسی و اسلام شناسی و پژوهش های ایران شناختی در سرزمین های آلمانی زبان و به ویژه در کشور آلمان، پیشینه‌ای طولانی دارد و با نام دانشمندان و پژوهشگرانی چون «یوزف فون هامر- پورگشتال»، «فریدریش روکرت»، «هاینریش فریدرش فون دیتز»، «هلموت ریتر»، «تئودور نولدکه»، «فریتز وولف»، «هانس هاینریش شدر»، «هرمان اته»، «ریچارد هارتمان»، «آنماری شیمل» و «هاینتز هالم» پیوند خورده است. امروز نیز این سنت دیرین پایدار مانده است و گرچه نه به گسترش دوره های آغازین، اما همچنان تداوم دارد و هم اکنون در هجده دانشگاه رشته های شرق شناسی و ایران شناسی دایر است و در بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی، مطالعات و پژوهش هایی در زمینه تاریخ و فرهنگ و ادبیات مشرق زمین صورت می گیرد. به ویژه در سال های اخیر که رویکرد به مسایلی که در پیوند با اسلام و حیات مسلمانان است، بیشتر و گسترده تر گشته و توجه شرق شناسان آلمانی به شرق مسلمان و مسایل مربوط به آن بیشتر شده است. هم اکنون اسلام شناسان نه تنها به تحقیق درباره تاریخ و گذشته سرزمین های اسلامی می پردازند، بلکه پیرامون چگونگی برخورد مسلمانان با مسائل دنیای جدید و مشکلات توسعه و تحولات اجتماعی در کشورهای اسلامی نیز مطالعاتی وسیع و سودمند انجام می دهند و آرا و افکار بدیع و نظریه های تازه اندیشمندان مسلمان کشورهایی نظیر مصر و ایران و ترکیه را با دقت و علاقه بسیار پی گیری و بررسی می کنند. اما پژوهش های قرآنی هنوز یکی از حوزه های مهم مطالعات شرق شناسی است.

قرآن تاکنون چندین بار به زبان آلمانی ترجمه شده است. ولی ترجمه شاعرانه «فریدریش روکرت» Friedrich Rueckert (۱۷۸۸ تا ۱۸۶۶ میلادی) که به رغم قدمت آن تازه ترین ترجمه‌ای است که در کشورهای آلمانی زبان منتشر شده است، با اقبال محافل علمی و دانشگاهی و اعجاب قرآن پژوهان و اسلام شناسان مواجه گشت. و این در حالی است که تاریخ این ترجمه به بیش از صد و پنجاه سال پیش از این برمی گردد و در این مدت تقریباً به دست فراموشی سپرده شده بود. حال چه شده است که این ترجمه از قرآن پس از یک قرن و نیم به طرز شایسته‌ای چاپ و منتشر شده و مورد توجه و تحسین قرار گرفته است؟ چنان که پیشتر اشاره کردم، از قرآن ترجمه های بسیاری به اغلب زبان های اروپایی صورت گرفته که نخستین آنها ترجمه‌ای است به زبان لاتین که «روبرت فون کتون» انگلیسی به سفارش راهب بزرگ «پتروس ونرابلیس» به انجام رساند و در سال ۱۱۳۴ میلادی (۵۳۸ هجری قمری) در اسپانیا منتشر شد. این ترجمه اما فقط در دسترس عده‌ای خاص قرار داشت. درست چهار قرن بعد، یعنی در سال ۱۵۴۳ میلادی، این ترجمه با نظرخواهی و نیز با مقدمه‌ای از «مارتین لوتر»، مصلح دینی کلیسای عیسوی و بانی مذهب پروتستان، در شهر بازل سوئیس به چاپ رسید و در دسترس عالمان علوم دینی قرار گرفت. انتشار این ترجمه از قرآن که چاپ دوم آن چند سال بعد از این در زوریخ منتشر شد، تقریباً همزمان بود با انتشار کتاب مقدس مسیحیان به زبان آلمانی که مارتین لوتر برای نخستین بار انجام داده بود و یکی از موارد بروز اختلاف وی با کلیسای مسیحی در آن دوران محسوب می شد. بعدها نیز ترجمه هایی به زبان های ایتالیایی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی و آلمان انتشار یافت که در ابتدا اساس کار مترجمان همین متن لاتینی قرآن بود.

اما نخستین ترجمه قرآن از زبان اصلی، به سال ۱۶۴۷ میلادی به زبان فرانسوی در پاریس منتشر شد. «آندره دوریه» که مدت زمانی طولانی کنسول فرانسه در آسیای صغیر بود، قرآن را از زبان عربی و با استفاده از تفسیرهای مسلمانان به فرانسه ترجمه و منتشر کرد. اندکی بیش از صد سال پس از آن، در سال ۱۷۴۶ میلادی، ترجمه آلمانی قرآن با عنوان «انجیل ترکی» با ترجمه «تئودور آرنولد» در شهر فرانکفورت انتشار یافت. اساس این ترجمه اما، ترجمه‌ای به زبان انگلیسی بود که «ژرژ سال» به سال ۱۷۳۴ به انجام رسانده بود. ترجمه آرنولد تنها از آن رو بااهمیت تلقی می شود، چون «وولفگانگ فون گوته» به هنگام تحقیق درباره اسلام و نگارش مؤخره «دیوان غربی- شرقی» این ترجمه را در اختیار داشت و هموست که پس از مطالعه قرآن و تحت تاثیر زبان قرآن در فصل «یادداشت هایی برای درک بهتر دیوان غربی- شرقی» نوشت که با در نظر داشتن سبک قرآن که با مضمون و مقصود آن هماهنگی دارد، نباید از تاثیر عظیم آن به شگفت آمد. به هر حال، اولین ترجمه‌ای که از زبان عربی مستقیماً به آلمانی صورت گرفت، در سال ۱۷۷۲ میلادی بود که «داوید فریدریش مگرلین» به انجام رساند و این بار نام «انجیل ترکی یا قرآن» بر آن گذارده شد. این ترجمه که گوته در نقدی، از آن به عنوان «دستاوردی نکبت بار» یاد می کند با نقشی از پیامبر اسلام بر مس قلم زده مزین شده که بر آن نوشته شده بود «محمد، پیامبر دروغین». این ترجمه از قرآن و این توهین آشکار به پیامبر اسلام در واقع در تداوم سنتی قرار داشت که از قرون وسطی در مغرب زمین به یادگار مانده بود.

مشخصات

کتابشناسی ترجمه روکرت از قرآن:
Der Koran.
In der Uebersetzung von Friedrich Rueckert.
Herausgegeben von Hartmut Bobzin,
mit erklaerenden Anmerkungen von Wolfdietrich Fischer.
Wuerzburg, 5. Auflage 2005.

از آن زمان تاکنون و به ویژه در پی پژوهش های گسترده‌ای که در اواخر قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم میلادی درباره اسلام صورت پذیرفت، ترجمه های بسیاری به زبان های اروپایی از قرآن صورت گرفت که ترجمه های پالمر و بل به زبان انگلیسی در سال ۱۸۸۰ و ۱۹۳۷ میلادی و نیز ترجمه بلاشر به زبان فرانسوی در سال ۱۹۴۹ میلادی از مشهورترین آنهاست. ترجمه روسی کراچسکووسکی نیز که پس از مرگ او در سال ۱۹۶۳ میلادی به چاپ رسید، در زمره ترجمه های باارزش قرآن است. در حال حاضر جز ترجمه روکرت، سه ترجمه معتبر از قرآن به زبان آلمانی در کتاب فروشی های کشورهای آلمانی زبان یافت می شود که یکی ترجمه «ماکس هنینگ» است که نخستین بار در سال ۱۹۰۱ میلادی انتشار یافت و چندین بار باز چاپ شده است. دیگری ترجمه‌ای است از «رودی پارت» که چاپ اول آن به سال ۱۹۶۳ میلادی منتشر شد و بیشتر مورد استفاده دانشجویان و دانش پژوهان قرار می گیرد و سرانجام ترجمه‌ای از «عادل خوری» که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد. اما آنچه درباره این ترجمه ها باید مورد تأکید قرار گیرد، آن است که تمامی آنها به منظور انتقال معنا و محتوای ظاهری قرآن صورت گرفته که گاه با اشارات تاریخی نیز همراه است. از این رو، به رغم دقت در برگرداندن متن اصلی، گاه خشک و بی روح و خسته کننده‌اند و بیشتر به دقت و تلاششان در نزدیکی به متن اصلی شهرت دارند؛ ولی مترجمان سبک و زبان قرآن و جنبه های زیباشناسی کلام الله و روح نهفته در آن را یا به هیچ وجه در نظر نگرفته‌اند و یا به آن کمتر توجه داشته‌اند.

ترجمه شاعر و زبان شناس و شرق شناس آلمانی فریدریش روکرت از قرآن اما درست نقطه مقابل ترجمه هایی است که تاکنون به زبان آلمانی منتشر شده است. این ترجمه که به خودی خود از حیث زبان شناسی و به لحاظ زیباشناسی شاهکاری در زبان آلمانی محسوب می شود، هر چند در اینجا و آنجا کاملاً دقیق و عیناً مطابق با متن اصلی نیست، اما برای نخستین بار سبک قرآن و زیبایی و شکوه کلام خدا را به خواننده آلمانی زبان می نمایاند و او را به شگفت و تحسین وامی دارد. نبوغ روکرت در فراگیری زبان های گوناگون، در دوران او زبانزد خاص و عام بود. او که به زبان های یونانی کهن، لاتین، سنسکریت، فارسی، عربی و ترکی تسلط داشت، خیلی زود خود را با قرآن و ترجمه آیاتی از آن مشغول داشت و با آن انس و الفت گرفت. او نخست پاره‌ای از ترجمه های شاعرانه خود را از آیات قرآن در سال ۱۸۲۴ میلادی منتشر کرد. مجموعه دست نوشته های روکرت از ترجمه قرآن ـ که متاسفانه دربرگیرنده تمام متن اصلی نیست- پس از مرگش و در سال ۱۸۸۸ میلادی، به مناسبت صدمین سالگرد تولد او و به خواست خاندانش، به کوشش شرق شناس آلمانی «آگوست مولر» به چاپ رسید. اما از آن زمان تاکنون این ترجمه بی نظیر و ارزشمند گمنام و مهجور مانده بود. اکنون پس از گذشت بیش از صد سال از اولین چاپ آن به صورتی نفیس و با کمال زیبندگی و پاکیزگی به کوشش «هارتموت بوبتزین» و با توضیحات و اشارات سودمند «وولف دیتریش فیشر» منتشر شده است.

روکرت از همان آغاز کار ترجمه قرآن، درصدد ترجمه متن کامل تمام سوره ها نبود و از این رو در دست نوشته های او گاه آیاتی و گاه حتی سوره‌ای از قلم افتاده است. زیبایی کلام خدا و توانایی روکرت در بازنویس کردن آن به زبان آلمانی را در «سوره الاخلاص»، یکی از کوتاه ترین سوره های قرآن به خوبی می توان مشاهده کرد:

Sprich: Gott ist Einer,
Ein ewig reiner,
Hat nicht gezeugt und ihn gezeugt hat keener,
Und nicht ihm gleich ist einer.

از فریدریش روکرت که به عنوان «پدر شرق شناسی آلمان» از او یاد می شود، افزون بر ترجمه قرآن آثار دیگری نیز به جا مانده است؛ از آن جمله ترجمه منظوم اشعار گلستان سعدی که در سال ۱۸۴۷ میلادی به انجام رساند، بهترین و زیباترین ترجمه‌ای است که تا کنون از این دفتر منتشر شده است. ترجمه روکرت از گلستان نزدیک به پنجاه سال بعد از اتمام آن و بیش از سی سال پس از مرگ او، برای نخستین بار در «مجله تاریخ ادبیات تطبیقی» به سال ۱۸۹۵ میلادی منتشر شد. روکرت خود در سال ۱۸۵۱ برای اولین بار در «دفتر یادداشت های شاعرانه» خود اشاره‌ای به ترجمه بخش منظوم گلستان دارد. او بوستان سعدی را نیز به صورت زیبایی به آلمانی ترجمه کرد که انتشار این کتاب نیز در زمان حیات او به انجام نرسید و نخستین بار در سال ۱۸۸۲ میلادی منتشر شد. روکرت گزیده‌ای از شاهنامه فردوسی و شماری از غزلیات سعدی را نیز به آلمانی ترجمه کرد. طرفه آنکه ترجمه او از این دو اثر نیز در زمان حیات او منتشر نشد. غزلیات سعدی بیست و هفت سال پس از مرگش، در سال ۱۸۹۳ میلادی به چاپ رسید.

پژوهشی تازه درباره زرتشت و اوستا

پژمان اکبرزاده

در سال های اخیر، گرایش بسیاری به پژوهش درباره پیامبر ایرانی، زرتشت، و کیش او پدید آمده و آثار گوناگونی نیز در این زمینه به چاپ رسیده است. یکی از تازه ترین کتاب ها در این باره، «پیامبرآریایی؛ ریشه های ایرانی در کیش های جهانی» نوشته امید عطایی است که به وسیله انتشارات عطایی به علاقه مندان ارائه شده است. کتاب در پانزده بخش اصلی با عنوان های «خدایگان سخن»، «گفتگوهای زرتشت»، «پیر مغان»، «زرتشت استوره‌ای»، «کیش های کهن»، «یک دین و دو خدا»، «همرنگی های دو فرهنگ»، «خویشاوندان ودایی»، «مرز مهرآیین»، «اژدهای رام مغان»، «خدایان خاموش»، «زرتشت مزدایی»، «زرتشت زروانی»، «زرتشت میترایی» و «مکاشفات تاریخی زرتشت» نگاشته شده است.

در کتاب، کوشش شده که تعریفی فراگیر و روشن از اوستا ارائه شود و همچنین زوایای گوناگون شخصیت و اندیشه زرتشت به خواننده شناسانده شود. نقش ایران باستان در فرهنگ ها و دین های مهم جهان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. به گفته امید عطایی: «نبود برگردان های معتبر و دقیق از متن های مقدس مانند تورات، ودا و اوستا - به ویژه گات های زرتشت- از بزرگترین دشواری های این گونه پژوهش ها به شمار می رود. هنگام نقل قول ترجمه ها احساس می کردم در آنها اشتباهاتی وجود دارد ولی از سوی دیگر برایم امکان بازنگری در همه اوستا نبود. با این حال ترجمه چند بند از گاتها را نتوانستم بپذیرم و بدون گزافه گویی، برای هر یک از بندها، چند روز زمان صرف شد. برخلاف برخی دیگر از پژوهشگران، نه تنها هیچ یک از اسناد و روایات در این پژوهش کنار گذاشته نشده بلکه بر پایه گزارش های کهن، به نگارش، رده بندی و تدوین آنها پرداخته‌ام. در واقع، هر یک از این منابع را در جای خود نهادم و با این شیوه ساده، تضادها و تناقض هایی که برای چند سده مایه جدال پژوهشگران بود تا اندازه زیادی از میان رفت و یافته هایی تازه و شگفت انگیز به دست آمد. این شیوه پژوهش، درسی است برای آنکه به تاریخ های ایرانی اعتماد کنیم و اگر جزئیاتی نادرست به آنها راه یافته، اصل را فدای فرع نکنیم...»

نویسنده همچنین خاطرنشان ساخته، کامل ترین کتابی که درباره موضوع مورد بحث در ایران ترجمه و به چاپ رسیده «تاریخ کیش زرتشت» اثر مری بویس است که گرچه دارای اشتباهاتی است و کمبود منابع شرقی در آن چشمگیر می نماید اما همچنان بهترین مرجع برای پژوهشگران به شمار می رود.

در پی بخش های اصلی کتاب، سه پیوست نیز آمده است که عبارتند از «. . . که ایدون به ما خوار بگذاشتند» که نگرشی است بر کتاب «شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران» نوشته مرتضی ثاقب فر؛ «خسروان خسران دیده» (نقدی بر کتاب «حکمت خسروانی» از هاشم رضی) و «هخامنشیان در خداینامه» که در آن ضمن استدلال های نگارنده، سخنانی از آرتور کریستین سن و احسان یارشاطر درباره موضوع مورد بحث نیز آورده شده است. یک «یاری نامه» نیز در پایان آمده که خوانندگان را برای آشنایی با مفهوم واژگان به کار برده شده در متن کتاب یاری می دهد.

«پیامبر آریایی» در ۶۰۰ صفحه، شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و بهای ۵۹۰۰ تومان به بازار کتاب عرضه شده است. از دیگر کتاب هایی که تاکنون از امید عطایی درباره فرهنگ ایران انتشار یافته می توان از «نبرد خدایان؛ جنگ های کیهانی در نوشته های کهن ایرانی»، «ایران بزرگ» و «شگفتی های باستانی ایران» نام برد.

معرفی مجلات

پنجمین شماره حقوق اساسی

پنجمین نشریه حقوق اساسی به مدیرمسئولی محمدحسن حبیبی عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در دو بخش فارسی در ۴۰۹ صفحه و بخش خارجی در ۱۱۳ صفحه انتشار یافت. در بخش فارسی مقالاتی همچون «اعمال حاکمیت با روش های دموکراسی مستقیم و بررسی آن در مورد جمهوری اسلامی ایران (یعقوب پورعباس) بررسی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس (تقی زاده)، بازنگری در قانون اساسی- بازشناسی و تحلیل چارچوب نظری (پروانه تیلا)، آزادی های فردی و بررسی تطبیقی حق سقط جنین در استرالیا و ایران (هادی حسینی)، بررسی مقایسه‌ای مسئله قومیت در قوانین اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی (محسن خلیلی)، بررسی تطبیقی اصل وحدت یا تفکیک قوا در دادرسی ایران و نظام های حقوقی انگلیس، آلمان و فرانسه (سواد کوهی فر)، پیشنهادهایی برای اصلاح آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (محمود کاشانی)، تامین اجتماعی به عنوان یک حق بشری (روح الله ملکی)، نگاهی به حقوق اساسی جمهوری چین (طباطبایی)، حاکمیت و عدالت در قرآن و اندیشه سیاسی امام علی(ع) (موسی زاده) و قانون اساسی اروپا مکانیسم تصمیم گیری و تاثیر آن بر حاکمیت دولت- ملت های اروپایی (طیبه واعظی)» انتشار یافته است.

نویسنده مقاله «اعمال حاکمیت با روش های دموکراسی مستقیم و بررسی آن در مورد ایران» در بحث خود نتیجه گیری کرده است: «با این که اکثر کشورهایی که شکل دموکراسی را برای اعمال حاکمیت برگزیده‌اند از دموکراسی غیرمستقیم یا نماینده سالار بهره می برند، لیکن نمی شود نقش اعمال مستقیم خواست و اراده مردم را که از آنها تحت عنوان سازوکارهای دموکراسی مستقیم یاد می شود در چنین رژیم هایی از نظر دور داشت. روش هایی مثل رفراندوم، ابتکار عام، بازخوانی و غیره در جمهوری اسلامی ایران نیز که طبق اصول متعدد قانون اساسی حاکمیت متعلق به مردم است و به اصطلاح شکل دموکراتیک دارد. علی الاصول اعمال مستقیم اراده مردم باید نقش بسزایی ایفا نماید.»

در بخش دوم کتاب نیز ترجمه هفت مقاله متنوع انتشار یافته است. موضوعاتی همچون «اساسی سازی حقوق اسپانیا (ترجمه تقی زاده)، بررسی حقوق آزادی های زنان در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (اسد پورتهرانی)، نگرشی بر قانون اساسی فنلاند (بیژن عباسی)، دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه و حمایت از حقوق و آزادی های شهروندان (جواد کارگزاری)، تئوری سیاسی قانون اساسی (کاکاوند)، دادگاه های قانون اساسی (علی اکبر گرجی) و فلسفه حقوق (مجتبی واعظی) انتشار یافته است. در فصل «نقد رویه ها» مقاله اول با عنوان «بررسی لایحه الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» نوشته سیداحمد کاشانی و مقاله دوم «تاملی بر نظریه تفسیری شورای نگهبان درباره صلاحیت های دیوان عدالت اداری» نوشته جواد محمودی ارائه شده است.

آخرین مقاله بخش داخلی به قانون اساسی اتحادیه‌ای و تاثیر آن بر حاکمیت دولت- ملت های اروپایی اختصاص یافته است. اتحادیه اروپا در فرآیند همگرایی به تدریج به یک عامل مهم و اثرگذار بر امور داخلی در روابط بین دولت های عضو این اتحادیه تبدیل شده است. معاهده قانون اساسی اتحادیه اروپا در صورت تصویب اولین سند واحد برای تعیین حدود اختیارات و صلاحیت های اتحادیه اروپا و نهادهای مربوط به آن خواهد بود. این سند به لحاظ دربرگرفتن

ارزش ها و اهداف اتحادیه، منشور حقوق اساسی، حدود و صلاحیت نهادهای اتحادیه، ساده کردن روند تصمیم گیری در اتحادیه و قابل فهم کردن آن برای شهروندان حائز اهمیت بوده و مطابق تحولات احتمالی ناشی از گسترش اتحادیه تنظیم شده است.

نویسنده همچنین در مقاله تاکید دارد که این سند را می توان برآیند کنفرانس های بین الدولی متعدد و پیمان های ناشی از آنها و کنوانسیونی دانست که در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. در واقع کنوانسیون مزبور ضمن جمع آوری و طبقه بندی قوانین موجود در پیمان های قبلی تغییراتی نیز در برخی مفاد آنها ایجاد کرد. از جمله این تغییرات در ساختار نهادهای اصلی اتحادیه و روندهای تصمیم گیری آنها است. مقاله همچنین به بررسی تاثیر این تغییرات بر حاکمیت دولت- ملت های اروپایی می پردازد.

در بخش چکیده مقالات به زبان فرانسه مقالاتی همچون «انتخابات نهم ریاست جمهوری در ایران (بهروز ترکزاد)، وضعیت حقوقی رئیس جمهور در رویه دادگاه قانون اساسی لیتوانی (جاراسیدیوناس)، حقوق طبیعی و مشروعیت سیاسی- مقدمه‌ای بر حقوق سیاسی طبیعی (جواد جاوید)، روش های رای گیری محلی در آلمان- پژوهشی پیرامون حقوق اساسی محلی (استفان شت) و تاریخ اساسی در فرانسه- نگاهی به تاریخ صیانت از قانون اساسی (علی اکبر گرجی)» انتشار یافته است.